

<https://telegram.me/joinchat/B0iypzw3Snyd5IzH6fdd9w>



((یادداشتی در عادات و احوال هموطنان))

قبل از شروع بحث از کاربران عزیز تقاضا دارم این یادداشت را به پراید و تصادفات جاده ای و یا یک شغل خاص و طیف خاص ربط ندهید این یادداشت یک بحث کلی هست که در تمامی اقشار و افراد و مشاغل به عینه هر روز میبینیم .

ملتی که به پراید قانع هست و برای خریدن آن صف میبندد امید زیادی به آن نیست کسی را مقصر ندانیم. پیشرفت و توسعه قبل از رفاه نسبی اقتصادی و توسعه سیاسی یک پیش کارکرد فرهنگی می طلبد و تا زمانی که در یک کشور این مهم اتفاق نیافتاده بهترین نوع حکومت همان حکومتی است که به آن ملت حکومت میکند و بالا سر آن ملت هست چرا که هر ملتی

لیاقت همان حکومتی را دارد که بر آن حکومت میکند. لذا به جای انتقاد از افراد و مسئولین، اول کار، ارتقای سطح آگاهی مردم با آموزش صحیح و بیان درست مسائل از طرف نخبگان فکری و ابزاری و تلاش و کوشش خود مردم جهت بالا بردن سطح فرهنگ و آگاهی خود از محیط داخلی و پیرامونی و تعامل و تحمل بیشتر و دوری از خشونت و تدریج و دوری جستن از بی تفاوتی که مهمترین معضل عصر ماست میباشد. تحمل دیگر اندیشیان، احترام به عقاید مختلف، ارج نهاده به شایسته سالاری و توجه به جزی ترین و ریزترین عملکرد خودمان که مطلقا حتی در حد یک چراغ قرمز رد نکردن و تخلف نکنیم و غیره آن موقع مطمئن باشید که کسی حاضر نخواهد شد پراید سوار بشود حتی پول هم نداشته باشد. چون به نظر من انسانها بیشتر بر اساس فرهنگشان خرید میکنند نه وضع مالی که دارند. به خاطر همین میبینی در جامعه ما میلیون ها انسان هستند که با اینکه از نظر مالی بسیار فقیر هستند ولی چنان شرافتمندانه و اخلاقی و انسانی زندگی میکنند که از هیچ سرمایه داری این رفتارها را سراغ نداریم. پس هر موقع سطح آگاهی مردمان نسبتا بهتر شد و توانستند ارزش ها را از ضد ارزش و زندگی انسانی و نزاکت اجتماعی را از خرافات و تعارفات بی مورد تمیز دهند اون موقع همه چیز مسیر صحیح خود را پیدا خواهد کرد و البته به نظر من این مهم ناگزیر است چرا که جلو فهمیدن انسان را نمیتوان گرفت البته امکان داره یک عده به خاطر منافع کوتاه مدت و بلند مدت سعی در کردن آن رشد ذاتی انسانها باشند ولی خوشبختانه جامعه ایران قسمت اعظمی از مسیر را طی کرده و پیش رفته و دیگر قابل برگشت به عقب نیست. برای مثال فقط در نظر بگیرید که ما جامعه ای داریم که 80 درصد آن تحصیل کرده اند با اینکه خیلی از تحصیل کرده های ما نظر به اینکه به روح علم پی نبرده اند به جای پیدا کردن

مسیر درست تبدیل شدہ اند بہ جاعلین انسان و انسانیت. بہ عنوان مثال شما یک فردی کہ حقوق خواندہ را در نظر بگیرید با اینکہ لیسانس یا فوق لیسانس حقوق گرفتہ ولی چون بہ روح علم عدالت پی نبرده بہ جای اینکہ یک وکیل خوب و عادل شود تبدیل شدہ بہ دلال یا بہ جای حقوقدان شدہ حقوق خوان و شدہ کاسب و میخواید پول دریاورد مهم نیست از یک جانی و جاعل حمایت میکند یا از روح حق و عدالت. و رشتہ ہای دیگر و شغل ہای دیگر نیز ہمچنین. بہ عبارتی اگر بہ آن روح علم و آگاہی و عدالت و آزادی و کرامت انسان پی نبرده لذا ذہنش کاسب کارانہ بار آمدہ و فقط میخواید بیشتر درآمد کسب کند لذا مهم نیست در پیرامونش چہ میگذرد مهم این کہ وی درآمدش را داشتہ باشد و تازہ آن بہ ہم ریختگی را یک فرصت طلایی برای کسب درآمد بیشتر و سو استفادہ از فرصت ہا میدانند و ہمہ چیز را برای خود میخواید چرا کہ ارباب رعیتی بار آمدہ ہمیشہ عادت کردہ حرف زور بشنود و اطاعت کند و خودش ہم دنبال ہمچنین قدرتی است کہ بتواند جای در بین ارباب ہای خویش برای خود باز کند. کافیسٹ این افراد بدانند کہ در اشتباہ ہستند انبوهی از انرژی ہا و تہدیدہا بہ فرصت تبدیل خواہند شد و جامعہ یک دفعہ بدون کوچکترین خشونت بہ سمت شایستہ سالاری و مردم سالاری، عدالت و آزادی و کرامت انسانی تغییر مسیر خواہد داد و آن موقع مردم بہ آقا غولہ (زشتی ہا و پلیدیہا و آدمہای زورگو و دیکتاتور معاب) خواہند خندید و خواہند گفت با اینکہ ما زورمان بہ تو نرسید ولی میتوانیم وجود تو را نادیدہ بگیریم و وقتی آقا غولہ ببیند کسی دیگر بہ قدرت آن توجہی ندارد در مقابل ارادہ آگاہانہ ملت سر تعظیم فرود خواہد آورد و تسلیم خواہد شد تازہ آن موقع است کہ ہمہ چیز و ہمہ کس در جای خود قرار خواہد گرفت و مسئولیت ہا بر اساس شایستگی افراد تقسیم خواہد شد و این آغاز پیشرفت و سعادت انسان و بہ تبع آن یک کشور- ملت است.

دکتر کریم عبداللہی دانشگاہ شہید بہشتی

<https://telegram.me/joinchat/B0iypzw3Snyd5IzH6fdd9w>